

تبیین نقش سرمایه اجتماعی در توسعه مشارکت ورزشی جوانان (مطالعه موردی: شهر یزد)

مهرداد پارسا مهر^۱، محمدرضا نیک نژاد^۲، سید پویا رسولی نژاد^۳

۱. دانشیار جامعه شناسی، دانشگاه یزد*

۲. دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه مازندران

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۳۰

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، تبیین نقش سرمایه اجتماعی در توسعه مشارکت ورزشی جوانان شهر یزد بود. این پژوهش به لحاظ نوع، کاربردی بوده و از منظر گردآوری داده‌ها، پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش را تمامی جوانان ۱۵-۲۹ ساله ساکن در شهر یزد تشکیل دادند که از میان آن‌ها ۳۷۲ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای متناسب به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها نیز با استفاده از پرسش‌نامه انجام گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی مردان نسبت به زنان بیشتر است و بین سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های عمده آن (اعتماد اجتماعی، هنجار اجتماعی، شبکه اجتماعی و مشارکت اجتماعی) با مشارکت ورزشی جوانان رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل چندمتغیره نیز حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های عمده آن توانسته‌اند بیش از ۱۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته؛ یعنی مشارکت ورزشی را تبیین نمایند. براین اساس و به‌عنوان نتیجه‌گیری نهایی می‌توان گفت که تلاش برای تقویت سرمایه اجتماعی جوانان می‌تواند استراتژی ارزشمندی برای گسترش مشارکت ورزشی آن‌ها باشد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، مشارکت ورزشی، شبکه اجتماعی، جوانان، یزد

مقدمه

ورزش به‌عنوان یکی از مفاهیم اجتماعی (و با توجه به کارکردهای خاص خود در زمینه‌های مختلف) مورد توجه بسیاری از دانشمندان و پژوهشگران قرار گرفته است. از مهم‌ترین کارکردهای این پدیده، نقش مهم آن در ایجاد سلامت جوامع می‌باشد. این موضوع را می‌توان از طریق تأثیر ورزش بر زندگی افرادی که در این زمینه مشارکت دارند، به‌روشنی مشاهده کرد (گورال^۱، ۲۰۱۰: ۱۲۴۸). به‌عبارت‌دیگر، مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، منافع آشکار از جمله منافع جسمانی، روان‌شناختی و اجتماعی را برای اعضای جامعه به ارمغان می‌آورد. منافع جسمانی حاصل از مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به‌عنوان یک اصل مهم و پذیرفته‌شده در بین اکثریت افراد جامعه مطرح بوده و وسیله‌ای برای جلوگیری از بیماری و افزایش سطح سلامت عمومی می‌باشد. طبق یافته‌های دانشمندان، مشارکت منظم در فعالیت‌های ورزشی موجب افزایش طول عمر و جلوگیری از بروز انواع بیماری‌ها می‌گردد (سالیس، پروچاسکا و تایلور^۲، ۲۰۰۰: ۹۶۵) و تأثیر مثبتی بر میزان شادابی و طراوت افراد، کسب لذت و هیجان، کاهش افسردگی، افزایش عزت‌نفس و ارتقای خودکارآمدی دارد (رایان^۳، ۱۹۸۰: ۴۰). مشارکت در ورزش علاوه بر نتایج مثبت روان‌شناختی، منافع اجتماعی بسیاری از جمله برقراری و ایجاد روابط دوستانه، پذیرش در بین گروه هم‌سالان و حمایت‌شدن از سوی اطرافیان (نزدیکان) را برای فعالان این عرصه به‌همراه دارد (ویس^۴، ۱۹۹۳: ۴۵)؛ به‌همین دلیل، نقش نهاد ورزش در جوامع، پررنگ‌تر گردیده و ورزش به‌عنوان یکی از شیوه‌های رایج برای اوقات فراغت محسوب می‌شود (خلجی، بهرام و آقاپور، ۱۳۸۸: ۳۶).

تحول و دگرگونی نهاد ورزش خارج از جامعه انجام نمی‌گیرد، بلکه توسعه آن در پیوند نزدیک با محیط اجتماعی که کنش درون آن انجام می‌گیرد، تحقق می‌یابد. به‌عبارت‌دیگر، ورزش مانند سایر نهادهای اجتماعی، بازتاب‌دهنده روابط اجتماعی جامعه می‌باشد. واقعیت ورزش به‌منزله محصول کنش انسان با فرایندهای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی در ارتباط است. در مجموع، می‌توان گفت ورزش بیان نظام فرهنگی اجتماعی جامعه‌ای می‌باشد که از بستر آن برخاسته است (اسلامی، موسوی و خوش‌فر، ۱۳۹۳: ۱۴۲). در تبیین نوسانات مشارکت در ورزش از نظریه‌های مختلفی استفاده می‌شود؛ اما در پژوهش حاضر تمرکز بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح می‌باشد. طرح این رویکرد نشان‌دهنده اهمیت نقش ساختارها و روابط اجتماعی بر متغیرهای اجتماعی است؛

-
1. Goral
 2. Sallis, Prochasca & Taylor
 3. Ryan
 4. Weiss

بنابراین، اطلاع از کمیت و کیفیت سرمایه اجتماعی، نحوه توزیع آن در جامعه و رابطه آن با متغیرهای دیگر، قدرت درک و پیش‌بینی بیشتری نسبت به پدیده‌ها و مسائل اجتماعی را فراهم می‌کند (پناهی و خوش‌فر، ۱۳۹۰: ۶۵).

برخی از جامعه‌شناسان سرمایه اجتماعی را شامل شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات می‌دانند که می‌تواند با به‌اشتراک‌گذاشتن اطلاعات میان افراد جامعه یا سازمان، حس اعتماد و مشارکت و همکاری را میان آن‌ها به‌وجود آورد (خسروی و لطفی، ۲۰۱۴: ۸۳؛ ویس مرادی، اکبری و رستمی، ۲۰۱۴: ۲۹۵). با استفاده از سرمایه اجتماعی می‌توان دریافت که چرا سازمان یا مجموعه‌ای در مسیر پیشرفت قرار می‌گیرد؛ بنابراین، سرمایه اجتماعی را می‌توان در کنار سرمایه‌های اقتصادی و انسانی، بخشی از ثروت ملی محسوب کرد که بستر مناسبی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود (سیگلر^۱، ۲۰۱۴: ۷۵). سرمایه اجتماعی به ویژگی‌های سازمان اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کند و درحقیقت، آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مؤثرتر، اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند (فیلد^۲، ۲۰۰۳: ۲۳). فوکویاما^۳ (۲۰۰۳) معتقد است که سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در نظام‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای گروه یا جامعه گردیده و سبب پایین‌آمدن سطح هزینه مبادلات و ارتباطات می‌گردد. کلمن^۴ (۱۹۸۸) نیز سرمایه اجتماعی را قدرت و توانایی مردم برای برقراری ارتباط متقابل تعریف می‌کند. به اعتقاد وی، سرمایه اجتماعی ترکیبی از ساختارهای اجتماعی است که تسهیل‌کننده کنش‌های معین بین کنشگران در درون این ساختارها می‌باشد. علاوه‌براین، پوتنام^۵ (۲۰۰۰) - مشهورترین نظریه‌پرداز سرمایه اجتماعی - سرمایه اجتماعی را به‌عنوان روابطی بین افراد که نشان‌دهنده ویژگی‌های خاصی از زندگی اجتماعی شامل: شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد متقابل بوده و محصول فرعی تعاملات اجتماعی می‌باشد و همکاری‌های ناشی از این تعاملات را برای مشارکت‌کنندگان آسان‌تر و محتمل‌تر می‌سازد، تعریف می‌کند. از نظر پوتنام

-
1. Siegler
 2. Field
 3. Fukuyama
 4. Coleman
 5. Putnam

(۱۹۹۵)، همکاری و مشارکت داوطلبانه هنگامی تحقق خواهد پذیرفت که ذخیره و انباشت اساسی از سرمایه اجتماعی در قالب قواعد مبادله و شبکه‌های تعهد مدنی وجود داشته باشد. وی معتقد است که بیشتر ورزش‌ها با توجه به ماهیت آن‌ها، فعالیتی ارتباطی محسوب شده و مشارکت در ورزش دربرگیرنده شرکت آگاهانه افراد به صورت مشارکت‌کننده و تماشاچی می‌باشد که با یکدیگر ارتباط متقابل دارند و در پی این روابط متقابل، پاداش‌های اجتماعی میان آن‌ها مبادله می‌شود.

همچنین، از نظر بوردیو^۱ (۱۹۸۶) سرمایه اجتماعی شامل روابط بین فردی در درون گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که دسترسی به موفقیت‌ها، فرصت‌ها، اطلاعات و منابع مادی و موقعیت‌های اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد. وی سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع بالفعل و بالقوه که به داشتن شبکه‌ای پایدار از روابط متقابل کم‌وبیش نهادینه‌شده ناشی از آشنایی، موردپذیرش قرارگرفتن و شناخته‌شدن منجر شود، قلمداد می‌کند. بوردیو تطابقی را میان جایگاه اجتماعی، سلیقه‌ها و رفتارها در نظر می‌گیرد. به عبارت دیگر، وی معتقد به تطابق بین فضای طبقات و فضای رفتارهای هر یک از طبقات می‌باشد؛ به عنوان مثال، فضای طبقه برتر، چه نوعی از ورزش، سبک زندگی، گرایش سیاسی و غیره را ترجیح می‌دهد. به اعتقاد وی، سرمایه اجتماعی به سرمایه اقتصادی وابسته است و سودمندی سرمایه اجتماعی در افزایش سرمایه اقتصادی می‌باشد. بوردیو در تبیین این‌که چرا طبقات اجتماعی متفاوت، از میزان‌های مختلفی از مشارکت در رشته‌های ورزشی خاص برخوردار هستند، عنوان می‌کند که مصرف فرهنگی که شامل مصرف ورزشی نیز می‌شود، به رجحان‌های هر طبقه و مهارت‌ها و شناخت اعضای طبقات از ورزش‌ها بستگی دارد. ورزش‌های مختلف در نزد طبقات متفاوت از ترجیحات گوناگونی برخوردار هستند. درحقیقت، مشارکت در ورزش (به‌ویژه ورزش‌های خاص) مانند علاقه آن‌ها به برخی از رشته‌های خاص هنری و ادبی می‌باشد (پارسامهر و جسمانی، ۱۳۹۰: ۷۶).

در مجموع، سرمایه اجتماعی نقش مهمی در تجدید حیات اجتماعی دارد و به‌ویژه دارای این توانایی می‌باشد که باعث افزایش سطح مشارکت در ورزش در سطح جامعه گردد. فعالیت اجتماعی و عضویت در باشگاه‌ها و گروه‌های ورزشی، یکی از اشکال کلیدی معاشرت در زندگی اجتماعی است که پوتنام آن را عنصری مهم در سرمایه اجتماعی شخص می‌داند و معتقد است که گروه‌های ورزشی، شبکه‌هایی را ایجاد می‌کنند که باعث گسترش مشارکت اجتماعی افراد می‌شود (دلانی و کینی^۲، ۲۰۰۵: ۱۲۷). درحقیقت، سرمایه اجتماعی در روابط میان افراد، تجسم یافته و زمانی ایجاد می‌شود که روابط میان افراد به‌شیوه‌ای دگرگون گردد که کنش اجتماعی را تسهیل نماید.

-
1. Bourdieu
 2. Delaney & Keaney

پژوهش‌های چندی در رابطه با شناخت نقش سرمایه اجتماعی در رشد و توسعه ورزش صورت گرفته است. با این وجود، هال^۱ (۲۰۰۸) از کمیاب، ناقص و نارسا بودن این پژوهش‌ها انتقاد کرده است. از یک سو سرمایه اجتماعی می‌تواند سبب رشد مشارکت در ورزش شود و از سوی دیگر، ورزش موجب ایجاد و ارتقای سرمایه اجتماعی همچون عضویت در باشگاه‌ها، تیم‌ها و گروه‌های ورزشی می‌گردد که تمامی این موارد، اشکال متفاوتی از روابط اجتماعی را در بر می‌گیرند. در این ارتباط، لیندستروم^۲ (۲۰۱۱) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که ارتباط معناداری بین میزان اعتماد (اعتماد تعمیم یافته) و فعالیت بدنی پایین وجود دارد. وی عنوان کرد زنان و مردانی که میزان فعالیت بدنی پایینی داشتند، مایل به افزایش دادن فعالیت بدنی بودند؛ اما برای انجام این امر نیاز به حمایت اجتماعی داشتند. از نظر وی، افرادی که سطح پایین اعتماد را تجربه می‌کردند نسبت به افرادی که تحت حمایت گروه‌های مرجع قرار داشتند، از میزان فعالیت بدنی پایین‌تری برخوردار بودند. سیپل^۳ (۲۰۰۶) نیز در پژوهشی گزارش نمود افرادی که به صورت داوطلبانه در سازمان‌های ورزشی مشارکت دارند، از میزان اعتماد اجتماعی (یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی) بالاتری برخوردار هستند. به اعتقاد وی، سرمایه اجتماعی در ورزش سبب افزایش اعتماد به نفس، گسترش ارتباطات اجتماعی و افزایش اخلاق‌گرایی می‌گردد. در این راستا، دلانی و کینی (۲۰۰۵) در پژوهش خود به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت ورزشی پرداختند و عنوان نمودند که بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و متغیر مشارکت در ورزش، همبستگی قوی وجود دارد. یاوکایاسو^۴ و همکاران (۲۰۱۰) نیز در پژوهش خود با عنوان "رابطه بین کلپ‌های ورزشی و سرمایه اجتماعی در ژاپن، یک مطالعه مقایسه‌ای بین کلپ‌های ورزشی مدرن و کلپ‌های ورزشی سنتی" نشان دادند که بین نوع کلپ‌های ورزشی و سرمایه اجتماعی تفاوت زیادی وجود دارد (به نقل از اسلامی، موسوی و خوش‌فر، ۱۳۹۳: ۱۴۳). یافته‌های آن‌ها حاکی از آن بود که مکان کلپ‌های ورزشی برای تولید سرمایه اجتماعی مهم می‌باشد. در پژوهشی دیگر، تانتز^۵ (۲۰۰۵) به بررسی رابطه بین ورزش‌های رقابتی و سرمایه اجتماعی در روستاهای غرب استرالیا پرداخت و عنوان نمود که ورزش،

-
1. Hall
 2. Lindstrom
 3. Seippel
 4. Yavkayaso
 5. Tonts

بخش مهمی از زندگی روستاییان در این مناطق به‌شمار می‌رود و میان این پدیده و برخورداری آن‌ها از سرمایه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

همچنین، نتایج پژوهش شارع‌پور و حسینی راد (۱۳۸۷) با عنوان "بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی (مطالعه موردی: شهروندان ۲۹-۱۵ ساله شهر بابل)" نشان داد که مؤلفه‌های ارتباطات دوستانه، اعتماد به دوستان، اعتماد به همسایگان، روابط همسایگی و انجام دادن فعالیت‌های داوطلبانه با مشارکت ورزشی هم‌بستگی معناداری دارند و متغیرهای عضویت داوطلبانه، اعتماد به دوستان، وضعیت اقتصادی خانواده و ارتباطات دوستانه به ترتیب مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های مشارکت ورزشی می‌باشند. یافته‌های این پژوهش تا حدود زیادی تأییدکننده نظریه پاتنام درباره تأثیر غالب عضویت داوطلبانه در انجمن‌ها و سازمان‌ها است. در این راستا، اسلامی و همکاران (۱۳۹۳) به این نتیجه دست یافتند که تمامی ابعاد سرمایه اجتماعی (عضویت رسمی، مشارکت رسمی، اعتماد نهادی و مشارکت غیررسمی) به جز بعد اعتماد بین شخصی، با مشارکت ورزشی زنان رابطه معناداری دارند. در پژوهش وحیدا و همکاران (۱۳۸۵) نیز مشخص شد که میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی برحسب نوع حمایت اجتماعی به عمل آمده از آن‌ها متفاوت است. به عبارت دیگر، گروه زنان برخوردار از حمایت اجتماعی متوسط و پایین نسبت به زنان برخوردار از حمایت اجتماعی بالا، مشارکت کمتری در فعالیت‌های ورزشی داشته‌اند. همچنین، پارسامهر و ترکان (۱۳۹۱) در پژوهشی که در ارتباط با پرستاران صورت گرفت، نشان دادند که ارتباط معناداری بین سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی وجود دارد.

بررسی و مطالعه عواملی همچون مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر مشارکت ورزشی جوانان از آن جهت حائز اهمیت است که سازوکارهای زیربنایی را که مشارکت نوجوانان و جوانان در فعالیت‌های ورزشی را تشدید می‌کنند، مشخص می‌نماید و به عوامل مهم اجتماعی اجازه می‌دهد که به‌طور مؤثری این عوامل تشدیدکننده یا به‌وجودآورنده مشارکت جوانان در ورزش را مورد هدف قرار دهند. به این موضوع نیز باید توجه داشت که مقوله سرمایه اجتماعی، مسأله‌ای است که به‌واسطه آن، فرد شرایط لازم را به‌منظور مصرف ورزشی و مشارکت مؤثر و فعال در عرصه‌های ورزشی کسب می‌کند؛ بنابراین، ایجاد هرگونه اختلال در این فرایند موجب بی‌تفاوتی نسبت به ورزش و عدم مشارکت آگاهانه افراد در فعالیت‌های مختلف ورزشی، به‌ویژه در بین قشر نوجوان و جوان خواهد شد. بدیهی است که با انجام این‌گونه پژوهش‌ها و براساس یافته‌های چنین مطالعاتی می‌توان با شناخت کافی نسبت به عوامل و مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی تأثیرگذار بر گرایش و تمایل جوانان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی و برنامه‌ریزی‌های لازم در زمینه ایجاد شرایط موردنیاز برای ترغیب هرچه

بیشتر این قشر (به‌ویژه آن دسته از جوانانی که تمایلی به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی ندارند)، موجبات مشارکت ورزشی آن‌ها را فراهم آورد.

با توجه به نقش قابل‌ملاحظه سرمایه اجتماعی و ابعاد عمده آن (مانند روابط و پیوندهای اجتماعی، اعتماد، تعامل اجتماعی و کنش‌های یاری‌گرانه در تعیین کنش‌های انسانی و اجتماعی) و با توجه به شرایطی که موجب نوسان مشارکت در ورزش در بین جوانان می‌شود و نیز کارکردها و آثار سرمایه اجتماعی برای نظام اجتماعی و پدیده‌های گوناگون اجتماعی به‌طور عام و مشارکت در ورزش به‌طور خاص می‌توان گفت که موضوع اصلی مطرح‌شده در پژوهش حاضر، نوسان و تغییرپذیری مشارکت در ورزش متأثر از سرمایه اجتماعی و ابعاد عمده آن می‌باشد. همان‌طور که بیان گردید، سرمایه اجتماعی نقش مهمی در توسعه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و همچنین، توسعه مشارکت ورزشی افراد دارد. با توجه به این‌که جوانان مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی و آینده‌سازان کشور هستند، هنگامی که سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در بین دانشجویان تشکیل شده و گسترش یابد، سبب مشارکت ورزشی بیشتر آن‌ها و سلامت جامعه خواهد شد؛ از این‌رو، نیاز است مطالعاتی در این زمینه صورت گیرد تا وضعیت سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی در بین این گروه مشخص گردد. شایان‌ذکر است که دلیل انتخاب شهر یزد در پژوهش حاضر این بود که در دسترس پژوهشگران قرار داشت؛ بنابراین، هدف از پژوهش حاضر آن است که با تبیین سهم هریک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و مشخص کردن این عوامل، به بررسی تأثیر آن‌ها در توسعه مشارکت ورزشی جوانان بپردازد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به‌لحاظ اجرا از نوع مطالعات پیمایشی می‌باشد که جهت تدوین پیشینه نظری و سوابق تجربی آن از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) بهره گرفته شده است. علاوه بر این، این پژوهش از نظر معیار زمان، مقطعی؛ به‌لحاظ ماهیت، کاربردی و به‌لحاظ وسعت، پهنانگر می‌باشد. جامعه آماری پژوهش را تمامی افراد ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن شهر یزد (در زمان پژوهش) تشکیل دادند که براساس سرشماری سال (۱۳۹۰)، تعداد آن‌ها ۱۸۲۰۹۴ بود. درآمد و با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۷۲ نفر از آن‌ها به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند و با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای

متناسب^۱ مورد مطالعه قرار گرفتند. بدین صورت که ابتدا سه منطقه شهرداری یزد (منطقه یک شامل: محدوده امام شهر، فرودگاه، سیدگل سرخ، خلدبرین و چاه ملکی؛ منطقه دو شامل: محدوده میدان امام حسین، بلوار دانشجو، میدان امیرچخماق و چهارراه سلمان؛ منطقه سه شامل محدوده صفائیه، شهرک رزمندگان و آزادشهر) به عنوان سه خوشه اصلی در نظر گرفته شد و در مرحله بعد، خیابان‌ها و میادین اصلی هر منطقه از شهرداری در حکم بلوک برای خوشه‌ها مطرح گردیدند. سپس، به نسبت جمعیت ساکن در هر منطقه و تخصیص نمونه‌ها، برخی از اماکن ورزشی و پارک‌های تفریحی - ورزشی در هر منطقه به صورت تصادفی انتخاب گشتند. در مرحله آخر نیز از بین جوانان حاضر در محل‌های مذکور و پس از اطلاع یافتن از میزان فعالیت ورزشی آن‌ها، تعدادی انتخاب شدند و پرسش‌نامه در اختیار آن‌ها قرار گرفت. بدین ترتیب، افرادی که در یک سال گذشته حداقل یک ساعت در هفته در یک فعالیت ورزشی شرکت نموده بودند، به عنوان پاسخ‌دهنده به سؤالات پرسش‌نامه انتخاب گردیدند. ابزار مورد استفاده در پژوهش حاضر جهت گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه بود. شایان ذکر است که در این پژوهش از اعتبار محتوایی استفاده شده است. بدین منظور، پرسش‌نامه تدوین شده به چند نفر از اساتید و متخصصان ارائه گشت و با استفاده از نظرات آن‌ها، پرسش‌نامه اصلاح گردید. جهت سنجش پایایی نیز آلفای کرونباخ مورد استفاده قرار گرفت و داده‌ها به کمک نرم‌افزار اس. پی. اس. اس^۲ مورد تحلیل قرار گرفت.

در پژوهش حاضر برای دستیابی به اهداف پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شده است: پرسش‌نامه داده‌های جمعیت‌شناختی: پاسخ‌دهندگان از طریق این پرسش‌نامه اطلاعات خود را در مورد سن، جنس، وضعیت تأهل، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، کیفیت منطقه محل سکونت، میزان تحصیلات و رشته تحصیلی گزارش نمودند.

پرسش‌نامه سرمایه اجتماعی: کلیت روابط اجتماعی در درون سازمان یا بدون وجود سازمان است که سطوحی از اعتماد لازم تا بافت اجتماعی سازمان را حفظ می‌نماید (اسمیت^۳، ۲۰۰۵: ۲۵). به طور کلی، بیشتر نظریه پردازان در حوزه سرمایه اجتماعی در مورد چندین شاخص اتفاق نظر دارند که از آن جمله می‌توان این موارد را نام برد: اعتماد و سطوح مختلف آن (عام، بنیادی و بین شخصی)، احساس دلبستگی، احساس هویت، افزایش توانایی‌های فردی برای کنش، ارتباطات آزاد و مشارکتی، تعهدات و انتظارات، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی مؤثر، ظرفیت بالقوه اطلاعات، پیوندهای اجتماعی و توسعه شبکه‌های اجتماعی. علاوه بر این، به منظور سنجش سرمایه اجتماعی ابتدا مطالعه مفصلی درباره مبانی تئوریک این مفهوم انجام گرفت. سپس، با توجه به مبانی تئوریک

-
1. PPS
 2. SPSS
 3. Smith

و مرور تعداد زیادی از مطالعاتی که در داخل و خارج از کشور درباره این مفهوم انجام شده است (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۱۹۹؛ لعل سجادی، ۱۳۸۸: ۷۶؛ هالپرن^۱، ۲۰۰۵: ۳۴؛ کریشنا و شرادر^۲، ۲۰۰۰؛ اورشات^۳، ۲۰۰۶: ۱۵۳)، مهم‌ترین ابعاد این متغیر شناسایی گردید. در ادامه، این متغیر در چهار بعد اعتماد اجتماعی، هنجار اجتماعی، شبکه اجتماعی و مشارکت اجتماعی که در مجموع شامل ۱۶ گویه بود، در طیف لیکرت سنجیده شد که آلفای به‌دست‌آمده برای کل مقیاس معادل (۰/۷۷) و برای هریک از خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب عبارت بود از (۰/۸۱) برای اعتماد اجتماعی، (۰/۷۴) برای هنجار اجتماعی، (۰/۷۲) برای شبکه اجتماعی و (۰/۷۱) برای مشارکت اجتماعی.

پرسش‌نامه مشارکت ورزشی: در این پژوهش براساس نظر پوتنام، مشارکت ورزشی دربرگیرنده شرکت آگاهانه افراد به صورت مشارکت‌کننده و تماشاچی می‌شود که با یکدیگر ارتباط متقابل دارند و در اثر این روابط متقابل، پاداش‌های اجتماعی (مانند تأیید اجتماعی و غیره) میان آن‌ها مبادله می‌شود (پرکز^۴، ۲۰۰۷: ۳۸۳). همچنین، به مفهوم مشارکت در هر نوع فعالیت بدنی ملایم تا شدید می‌باشد که دانشجویان در خانه، دانشگاه و یا در اجتماع انجام می‌دهند و زمان آن کمتر از ۱۰ دقیقه در روز نمی‌باشد؛ مانند رفت‌وآمد به دانشگاه، بازی در تیم‌های ورزشی دانشگاه و غیره. به منظور تعیین میزان مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی نیز از پرسش‌نامه فونگ وی یی^۵ (۲۰۰۲) استفاده گردید. بدین منظور، از پاسخ‌دهندگان خواسته شد میزان مشارکت خود در فعالیت‌های ورزشی را با پاسخ‌دادن به یکی از گزینه‌های پرسش "شما در طول ماه گذشته چند بار به مدت حداقل ۲۰ دقیقه به فعالیت ورزشی غیر از ساعت ورزش در خانه، دانشگاه یا باشگاه پرداخته‌اید؟" نشان دهند. علاوه بر این، پرسش‌نامه تریل و جیمز^۶ (۲۰۰۱) جهت سنجش میزان پیگیری رویدادهای ورزشی از طریق رسانه‌ها؛ یعنی خواندن اخبار و مطالب ورزشی از روزنامه‌ها و مجلات مورد استفاده قرار گرفت. شایان توجه است که گویه‌های این متغیر در طیف شش قسمتی (اصلاً تا بسیار زیاد) ارزش‌گذاری شده است. همچنین، ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسش‌نامه معادل (۰/۷۶۷) محاسبه گردید که حکایت از مطلوبیت ابزار داشت. ذکر این نکته ضرورت دارد که

1. Halpern
2. Krishna & Shrader
3. Oorschot
4. Perks
5. Fung, W. Y.
6. Trail & James

این پرسش‌نامه پیشتر در پژوهش پارسامهر و جسمانی (۱۳۹۰) مورد بومی‌سازی و استفاده قرار گرفته است.

نتایج

جدول ۱- توزیع نسبی پاسخ‌دهندگان

جنس	درصد	وضع تأهل	درصد	تحصیلات	درصد
مرد	۵۰	مجرد	۶۳	دیپلم و پایین‌تر	۲۵/۷
زن	۵۰	متاهل	۲۷	بالتر از دیپلم	۷۴/۳

اطلاعات توصیفی مرتبط با پاسخ‌دهندگان پژوهش در جدول شماره یک نمایش داده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۵۰ درصد از نمونه مورد مطالعه را زنان و مابقی را مردان تشکیل می‌دهند. همچنین، بیشتر جمعیت نمونه را افراد مجرد (معادل ۶۳ درصد) و مابقی را افراد متأهل تشکیل داده‌اند. شایان ذکر است که بیشتر پاسخ‌دهندگان (بیش از ۷۴ درصد) دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم می‌باشند.

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی به تفکیک جنس

متغیر	گروه‌ها	میانگین	واریانس	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
سرمایه اجتماعی	مرد	۵۱/۵۶	۸۱/۰۴	۸/۹۳	۲۱	۷۰
	زن	۴۹/۱۲	۹۰/۷۸	۱۰/۵۱	۱۷	۶۷
مشارکت ورزشی	مرد	۲۶/۲۱	۴۵/۲۱	۷/۵۴	۱۴	۴۱
	زن	۲۴/۳۹	۴۱/۲۴	۵/۱۷	۱۲	۳۶

با توجه به جدول بالا، میانگین و انحراف معیار سرمایه اجتماعی در گروه مردان به ترتیب (۵۱/۵۶) و (۸/۹۳) و در گروه زنان (۴۹/۱۲) و (۱۰/۵۱) می‌باشد. میانگین و انحراف معیار مشارکت ورزشی نیز در گروه مردان (۲۶/۲۱) و (۷/۵۴) و در گروه زنان (۲۴/۳۹) و (۵/۱۷) است. علاوه بر این، برای بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با میزان مشارکت ورزشی (با توجه به این که این متغیرها در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند) از آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شد که نتایج این آزمون‌ها در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۳- ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با مشارکت ورزشی

متغیرها و ابعاد	مشارکت ورزشی	اعتماد اجتماعی	هنجار اجتماعی	شبکه اجتماعی	مشارکت اجتماعی
اعتماد اجتماعی	۰/۳۵۶***				
هنجار اجتماعی	۰/۲۸۳***	۰/۵۰۱***			
شبکه اجتماعی	۰/۴۲۵***	۰/۱۸۵	۰/۳۱۲***		
مشارکت اجتماعی	۰/۳۱۱***	۰/۲۱۹	۰/۱۷۸***	۰/۳۱۸	
سرمایه اجتماعی	۰/۳۹۲***	۰/۶۸۱***	۰/۵۴۷***	۰/۶۴۲***	۰/۴۸۲***

*** معنادار در سطح کمتر از (۰/۰۰۱)

یافته‌های جدول بالا نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن و مشارکت ورزشی، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه میزان سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن بیشتر باشد، میزان مشارکت ورزشی نیز بالاتر خواهد بود. لازم به ذکر است که در بین ابعاد سرمایه اجتماعی، بعد شبکه اجتماعی دارای بالاترین همبستگی با مشارکت ورزشی می‌باشد. همچنین، مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، قوی‌ترین و مشارکت اجتماعی، کمترین همبستگی را با سرمایه اجتماعی دارد.

جدول ۴- خلاصه آماره‌های مربوط به رگرسیون

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	بتا	خطای استاندارد	F	سطح معناداری
۱	۰/۴۲۲	۰/۱۷۸	۰/۱۵۲	۱۵/۲۵۴	۱۶/۱۱۳	۰/۰۰۱

علاوه بر این، به منظور محاسبه تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون استفاده گردید. جدول فوق، خلاصه‌ای از تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل بر میزان مشارکت ورزشی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ضریب هم‌بستگی چندگانه این متغیرها با میزان مشارکت ورزشی برابر با $(R = 0/422)$ است؛ بدین معنای هم‌بستگی بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته در حدود متوسط می‌باشد که نه بسیار قوی و نه بسیار ضعیف است. در ستون دوم جدول، مجذور ضریب هم‌بستگی چندگانه یا ضریب تعیین ارائه شده است. این ضریب، میزان تبیین واریانس و تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد که این ضریب در جدول مذکور برابر با $(R^2 = 0/178)$ می‌باشد. اشکال مطرح‌شده در ارتباط با ضریب تعیین این است که موفقیت مدل را بیش از اندازه برآورد می‌کند و تعداد متغیرهای مستقل و حجم نمونه را کمتر در نظر می‌گیرد. همچنین، تعداد درجات آزادی را محسوب نمی‌کند؛ از این رو، برخی از آماردانان ترجیح می‌دهند از شاخص دیگری به نام "ضریب تعیین تعدیل‌شده یا بتا" استفاده نمایند. این ضریب در جدول مورد نظر برابر با $(0/152)$ می‌باشد؛ بدین معنای بیش از ۱۵ درصد از تغییرات مشارکت ورزشی به وسیله متغیرهای مستقل این پژوهش تبیین می‌شود. در این جدول، میزان خطای استاندارد نیز برابر با $(15/254)$ است و مقدار F برابر با $(16/113)$ می‌باشد. با توجه به مقدار و سطح معناداری F در این مدل که برابر با $(0/001)$ است، این مدل (تقریباً) مدل خوبی برای تبیین تغییرات متغیر وابسته می‌باشد.

جدول شماره پنج، ضریب رگرسیونی متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. از آن جاکه چهار متغیر مستقل معنادار شده‌اند، هر چهار متغیر ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ضریب تأثیر رگرسیونی بر دو دسته است: ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده یا بتا (Beta) و ضریب تأثیر استاندارد نشده (B). در تحلیل رگرسیونی، ضریب تأثیر استاندارد شده به ما کمک می‌کند تا تأثیر نسبی هر یک از متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته مشخص نماییم؛ بدین معنای هر چه میزان ضریب بتای متغیر بیشتر باشد، نقش آن در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته بیشتر است. این مقدار در جدول فوق برای بعد اعتماد اجتماعی برابر با $(0/348)$ ، بعد هنجار اجتماعی برابر با $(0/321)$ ، بعد شبکه اجتماعی برابر با $(0/429)$ و برای بعد مشارکت اجتماعی برابر با $(0/151)$ است؛ بدین معنای این چهار متغیر (در این جدول) با مقادیر یادشده بر میزان مشارکت ورزشی تأثیر داشته‌اند.

جدول ۵- ضریب رگرسیونی متغیرهای مستقل

گویه‌های مستقل	اعتماد اجتماعی	هنجار اجتماعی	شبکه اجتماعی	مشارکت اجتماعی
ضرایب ضریب تاثیر استاندارد نشده (B)	۰/۱۵۳	۰/۱۲۶	۰/۱۷۹	۰/۰۷۸
خام خطای استاندارد	۰/۰۴۴	۰/۰۲۸	۰/۰۵۱	۰/۰۳۰
ضرایب استاندارد شده بتا	۰/۳۴۸	۰/۳۲۱	۰/۴۲۹	۰/۱۵۱
T	۴/۰۱۵	۲/۸۵۴	۴/۱۰۸	۵/۲۱۵
سطح اطمینان	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
آماره F		۱۶/۱۱۳		
سطح معناداری آماره F		۰/۰۰۱		

بحث و نتیجه‌گیری

ورزش به آرامی جایگاه ویژه‌ای را در فرهنگ قرن بیستم کسب نمود و این حرکت آرام در قرن بیست و یکم سرعت بیشتری به خود گرفت. مکان‌هایی در فضای اجتماعی و لحظه‌هایی در زندگی جمعی با ورزش نشان‌گذاری شده است؛ مانند توسعه باشگاه‌های ورزشی، توسعه ورزش‌های همگانی، ایجاد ایستگاه‌های تندرستی در اماکن عمومی مانند پارک‌ها، پیاده‌روها و غیره که نشان از اهمیت و ضرورت ورزش در جامعه دارد. با توجه به آمارها، در سال‌های اخیر، اختصاص بخشی از زمان افراد به ورزش در طول هفته نشان‌دهنده توجه بیشتر افراد به سلامت روح و جسم در عصر صنعتی شدن می‌باشد (اسلامی، موسوی و خوش‌فر، ۱۳۹۳: ۱۵۷). درحقیقت، امروزه ورزش در سلامت عمومی افراد، گذراندن اوقات فراغت سالم، بانشاط و لذت‌بخش، آموزش و پرورش (به‌ویژه در نسل جوان)، ایجاد روابط اجتماعی سالم در جامعه و پیشگیری از بسیاری از مفاسد اجتماعی و انحرافات اخلاقی نقش مثبت خود را متجلی ساخته است (غفوری، احسانی، رحمان سرشت و کوزه‌چیان، ۱۳۸۲: ۵۶). در این ارتباط، پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های عمده آن (اعتماد اجتماعی، هنجار اجتماعی، شبکه اجتماعی و مشارکت اجتماعی) در توسعه مشارکت ورزشی جوانان، به‌صورت مطالعه موردی بر روی جوانان ۲۹-۱۵ ساله شهر یزد صورت گرفت.

یافته‌ها نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های عمده آن با مشارکت ورزشی، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ به طوری که با افزایش میزان سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های عمده آن در جوانان، میزان مشارکت آن‌ها در ورزش افزایش پیدا می‌کند. مقایسه میانگین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی در بین مردان و زنان حاکی از این بود که میانگین سرمایه اجتماعی در مردان به طور معناداری بیشتر از زنان است. بیشتر بودن میزان سرمایه اجتماعی در بین مردان نسبت به زنان، با یافته‌های پژوهش‌های پیشین (سمیعی، ۱۳۷۹؛ فاتحی، ۱۳۸۲؛ مرجایی، ۱۳۸۳؛ افشانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ اسپلبرگ^۱، ۱۹۹۷؛ استون و هاگز^۲، ۲۰۰۲؛ آفه و فاجز، ۲۰۰۲) همسو می‌باشد. لازم به ذکر است که میزان مشارکت بیشتر مردان نسبت به زنان در عرصه اجتماعی باعث افزایش مشارکت و در نتیجه، افزایش سرمایه اجتماعی آن‌ها می‌گردد. علاوه بر این، جنسیت بر نوع عضویت در انجمن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ به گونه‌ای که زنان بیشتر عضو انجمن‌های خدماتی - خیریه‌ای، کلیسایی، اولیا و مریبان و انجمن‌های فرهنگی می‌شوند و مردان علاقه‌مند به فعالیت در انجمن‌های سیاسی می‌باشند (آفه و فاجز، ۲۰۰۲: ۴۹).

علاوه بر این، نتایج حکایت از مشارکت بیشتر مردان در ورزش نسبت به زنان داشت. مطالعات بسیاری تفاوت ورزش و فعالیت بدنی مردان و زنان را تأیید کرده‌اند؛ به عنوان مثال، بررسی‌ها در مینه‌سوتا (۱۹۹۸) نشان داده است که فعالیت‌های ورزشی در زنان به طور قابل ملاحظه‌ای پایین است، فعالیت‌های ورزشی در زنان کمتر از مردان می‌باشد و این فعالیت‌ها با افزایش سن کاهش می‌یابند. فوکس و ریچاردز^۴ (۲۰۰۲) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که به طور کلی، مردان نسبت به زنان مشارکت بیشتری در فعالیت‌های بدنی و فراغتی دارند. از دیگر نتایج پژوهش آن‌ها این بود که زنان تنها در رشته‌هایی مانند یوگا و شنا بیشتر از مردان مشارکت دارند و در سایر رشته‌های ورزشی، مردان اکثریت شرکت‌کننده‌ها را تشکیل می‌دهند. همچنین، ویلجالمسون و جانسدوتیر^۵ (۲۰۰۳) در پژوهشی به منظور بررسی تفاوت‌های جنسیتی در فعالیت‌های بدنی به این نتیجه دست یافتند که در دو سطح فعالیت‌های سبک و فعالیت‌های سنگین جسمانی، تفاوت معناداری بین مردان و زنان وجود دارد. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که زنان بیشتر تمایل به مشارکت در فعالیت‌های سبک دارند؛ اما گرایش به فعالیت‌های سنگین جسمی در بین مردان بیشتر مشاهده می‌شود. الهام‌پور و پاک‌سرشت (۱۳۸۲) نیز با توجه به الگوی گذران اوقات فراغت

-
1. Spellerberg
 2. Stone & Hughes
 3. Offe & Fuchs
 4. Fox & Richards
 5. Viljalmsson & Jansdottir

دانشجویان گزارش کردند که از نظر جنسیتی، تفاوت معناداری بین علایق پسران و دختران و نوع و مدت زمان پرداختن به این فعالیت‌ها وجود دارد. از جمله فعالیت‌هایی که در بین دختران و پسران تفاوت قابل ملاحظه‌ای داشت، فعالیت ورزشی بود و نتایج نشان داد که پسران به‌طور معناداری بیشتر از دختران ورزش می‌کنند. همچنین، عطارزاده حسینی و سهرابی (۱۳۸۶) در پژوهش خود متغیر جنسیت را در کنار سایر متغیرهای اجتماعی - روان‌شناختی مؤثر بر فعالیت بدنی مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که رابطه معناداری بین جنسیت با نگرش به فعالیت‌های بدنی و ورزشی وجود ندارد؛ اما بین جنسیت و گرایش به ورزش رابطه‌ای معنادار مشاهده می‌شود. رحمانی و همکاران (۱۳۸۵) نیز به این نتیجه دست یافتند که ورزش در بین فعالیت‌های فراغتی پسران در مرتبه دوم و برای دختران در مرتبه نهم قرار دارد که این امر حاکی از تمایل بیشتر پسران به مشارکت در ورزش نسبت به دختران می‌باشد. شایان‌ذکر است که این نتایج با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد.

فرضیه اصلی پژوهش حاضر مبتنی بر رابطه میزان سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی در بین جوانان بود که نتایج از رابطه دو متغیر فوق با یکدیگر حمایت می‌کند. همچنین، مؤلفه‌های عمده سرمایه اجتماعی با متغیر میزان مشارکت ورزشی، همبستگی مثبت و معناداری را نشان دادند. لازم‌به‌ذکر است که این نتایج با یافته‌های مطالعات دیگری که رابطه این دو متغیر را بررسی نموده‌اند، همخوان می‌باشد. در این راستا، لندستروم (۲۰۱۱) گزارش نمود که ارتباط معناداری بین میزان اعتماد (به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی) و میزان فعالیت بدنی وجود دارد. از نظر وی، افرادی که سطح پایینی از اعتماد را تجربه می‌کنند نسبت به افرادی که تحت حمایت گروه‌های مرجع قرار دارند، از میزان فعالیت بدنی و ورزشی پایین‌تری برخوردار می‌باشند. ژاروی^۱ (۲۰۰۳) نیز در مورد رابطه بین سرمایه اجتماعی و ورزش عنوان نمود که مشارکت ورزشی به دلیل کمک به افزایش عزت‌نفس و برابری اجتماعی، در تقویت جامعه مدنی مؤثر می‌باشد. سیپل (۲۰۰۶) نیز در پژوهشی در نروژ به این نتیجه دست یافت که مشارکت داوطلبانه افراد در سازمان‌های ورزشی بر ابعاد خاصی از سرمایه اجتماعی اثرگذار می‌باشد. به عبارت دیگر، افرادی که در سازمان‌های ورزشی به‌طور داوطلبانه مشارکت می‌کنند، از اعتماد اجتماعی بیشتری برخوردار بوده و بیشتر به پیگیری مسائل سیاسی و مدنی جامعه خود علاقه‌مند هستند. به اعتقاد وی، بخش عمده‌ای از اثرگذاری

1. Jarvie

ورزش بر سرمایه اجتماعی از طریق سه سازوکار انجام می‌شود: افزایش اعتماد به نفس، گسترش ارتباطات اجتماعی و تقویت اخلاق‌گرایی. در این ارتباط، استوهر^۱ و همکاران (۲۰۰۷) معتقد هستند که فرد در میدان ورزش در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرد که او را برای مهارت‌هایی مانند تقسیم کار، همکاری، تعاون و انجام کار گروهی آماده‌تر می‌کند و در نتیجه، میزان انسجام اجتماعی او را ارتقا می‌بخشد. همچنین، در بسیاری از مطالعاتی که در کشورهای اسکاندیناوی صورت گرفته است، عنوان شده است که افراد فعال در حوزه ورزش، سرمایه اجتماعی بیشتری دارند و در نتیجه، از اعتماد اجتماعی بیشتری برخوردار بوده و علاقه بیشتری به جهان پیرامون خود از جمله جهان سیاست دارند (به نقل از شارع‌پور و حسینی راد، ۱۳۸۷: ۳۵).

علاوه بر این، نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره نشان داد که سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های عمده آن (اعتماد اجتماعی، هنجار اجتماعی، شبکه اجتماعی و مشارکت اجتماعی) بیش از ۱۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (مشارکت ورزشی) را تبیین می‌کنند. از بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، شبکه اجتماعی بیشترین قدرت را در تبیین مشارکت ورزشی داشته است. این نتیجه مؤید دیدگاه پوتنام (۲۰۰۰) در مورد شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی است و افرادی که به شبکه‌های غیررسمی بیشتری تعلق دارند، تمایل بیشتری به انجام دادن کارهای داوطلبانه نشان می‌دهند. مطابق با دیدگاه پوتنام و همکاران (۱۹۹۹)، عضویت در گروه‌های دارای نظم افقی (مانند باشگاه‌های ورزشی و اتحادیه‌های داوطلبانه) و شبکه‌های مشارکت مدنی، یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی است (به نقل از شارع‌پور، ۱۳۸۵: ۲۳). به‌عبارت‌دیگر، ارتباطات اجتماعی (اعم از رسمی و غیررسمی) می‌تواند احتمال مشارکت در انواع دیگر فعالیت‌های اجتماعی (از جمله فعالیت‌های ورزشی) را در جوانان افزایش دهد. نتایج این پژوهش با یافته‌های بوث^۲ و همکاران (۲۰۰۰) که بیان می‌کنند داشتن شبکه‌های اجتماعی غیررسمی مانند دوستان و خانواده که برای افراد نقش حمایتی دارند، به مشارکت بیشتر افراد در فعالیت‌های ورزشی منجر می‌گردد، هماهنگی دارد. به‌عبارت‌دیگر، از آن‌جاکه ورزش در جامعه به‌عنوان زمینه مؤثری برای یادگیری ارزش‌ها و باورهای موردقبول و کسب ویژگی‌های منش مطلوب نگریسته می‌شود، اغلب مشارکت جوانان در ورزش توسط والدین، مسئولان و رهبران اجتماع مورد تشویق و حمایت قرار می‌گیرد (قدیمی، ۱۳۹۰: ۱۸).

آن‌چه به‌طور کلی از این پژوهش استنباط می‌شود، این است که افزایش میزان سرمایه اجتماعی جوانان منجر به مشارکت بیشتر آن‌ها در فعالیت‌های ورزشی خواهد شد. به‌عبارت‌دیگر، یکی از

1. Stoeber
2. Booth

شیوه‌های ارتقاداتن مشارکت جوانان در ورزش، توجه به مقوله سرمایه اجتماعی و تلاش در جهت افزایش آن می‌باشد. به‌طور کاربردی و جزئی‌تر، ضروری است با فراهم‌ساختن و تدارک سرمایه اجتماعی از طریق اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی به‌منظور افزایش اعتماد و مشارکت، حمایت از گروه‌های اجتماعی و کانون‌های فکری و فرهنگی، برگزاری مسابقات ورزشی با هدف شادی‌بخشی، تأمین امنیت افراد به‌منظور حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی، ارتقای گروه‌های محلی همیاری و زمینه‌سازی، ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه‌های اعتماد، به‌گسترش و تقویت مشارکت جوانان در فعالیت‌های ورزشی کمک نمود.

پیش از انجام این پژوهش و با توجه به نتایج مطالعات گذشته که در ارتباط با موضوع پژوهش به‌دست آمده بود، تصور بر این بود که در جامعه مورد مطالعه، هر یک از عوامل مرتبط با سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، هنجار اجتماعی، شبکه اجتماعی و مشارکت اجتماعی) به یک اندازه نقش پررنگی در مشارکت ورزشی جوانان داشته باشند؛ اما نتایج پژوهش حاضر گویای این فرضیه نبود و نتیجه‌گیری نهایی نشان داد که مشارکت ورزشی جوانان شهر یزد، صرفاً متأثر از این چند متغیر خاص نبوده و عوامل مختلفی بر آن تأثیر می‌گذارند.

دانش حاصل از پژوهش حاضر به مدیران و مسئولان مربوطه کمک می‌کند که اقدامات و برنامه‌های خاصی را جهت افزایش میزان مشارکت جوانان در فعالیت‌های ورزشی از طریق ارتقای میزان سرمایه اجتماعی آن‌ها مدنظر قرار دهند. با توجه به مشخص شدن رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی در بین جوانان می‌توان پذیرفت که تلاش برای تقویت سرمایه اجتماعی جوانان می‌تواند استراتژی ارزشمندی برای گسترش مشارکت ورزشی آن‌ها باشد؛ بنابراین، با توجه به نظر بوردیو (۱۹۸۶) که سرمایه اجتماعی را شامل روابط بین فردی در درون گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌داند، می‌توان با مشارکت دادن جوانان در عرصه‌های اجتماعی و توجه بیشتر به حضور نسل جوان در جامعه، افزایش میزان اعتماد اجتماعی و تقویت روابط اجتماعی آن‌ها در مدارس و دانشگاه‌ها، ارائه برنامه‌های مرتبط در صدا و سیما و تشویق جوانان به فعالیت در انجمن‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و غیره، به افزایش سرمایه اجتماعی و به‌دنبال آن، گسترش میزان مشارکت ورزشی جوانان مبادرت ورزید.

در پایان، با توجه به این‌که بررسی فوق دارای محدودیت سنی (جوانان) و مکانی (شهر یزد) بود، پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های آتی، دامنه سنی و مکانی وسیع‌تری را انتخاب نمایند تا تأثیر سایر

متغیرهای اثرگذار بر مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی در میان سنین مختلف و مکان‌های گوناگون مورد ارزیابی دقیق‌تر قرار گیرد.

تشکر و قدردانی

افراد زیادی این پژوهش را مورد حمایت همه‌جانبه خود قرار داده‌اند. بدین‌وسیله از همکاری صمیمانه تمامی دوستان و جوانان شهر یزد و نیز اساتید جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد تشکر می‌کنیم.

منابع

1. Abdollahi, M., & Mousavi, M. T. (2007). Social capital in Iran: Available condition future prospects and the possibility of transition. *Journal of Social Welfare*, 6(25), 195-233. (Persian).
2. Afshani, S. A., Askari Nadoushan, A., Fazel Najafabadi, S., & Heydari, M. (2009). Social trust in Yazd city (analysis of levels and factors). *Journal of Applied Sociology*, 20(4), 57-74. (Persian).
3. Attarzadeh Hoseini, S. R., & Sohrabi, M. (2007). Description of attitude and orientation of people of Mashhad city to move and athletic activities. *Olympic*, 5(37), 37-48. (Persian).
4. Booth, M. L., Owen, N., Bauman, A., Clavisi, O., & Leslie, E. (2000). Social-cognitive and perceived environment influences associated with physical activity in older Australians. *Prev Med*, 31(1), 15-22.
5. Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In S. Baron, J. Field & T. Schuller (Eds.), *Social capital-critical perspectives*. Oxford University Press, 3rd Edition.
6. Bullen, P., & Onyx, J. (2000). Measuring social capital in five communities. *Journal of Applied Behavior Science*, 36(1), 23-42.
7. Coleman, J. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 16(94), 95-120.
8. Delaney, L., & Keaney, E. (2005). Sport and social capital in the United Kingdom: Statistical evidence from national and international survey data, *American Journal of Sociology*, 20(75), 120-36.
9. Elhampour, H., & Pakseresht, M. J. (2003). Study of pattern of leisure subsistence of Shahid Chamran University students. *Psychology & Educational Science*, 10(23), 39-62. (Persian).
10. Eslami Marzankelateh, M. M., Mousavi, S. J., & Khoshfar, Gh. (2014). Relationship between social capital and participation of women in sportive activities (case study: Women of Gorgan city). *Management of Social Capital*, 1(2), 139-59. (Persian).
11. Fatehi, A. (2003). Relationship between social capital and social identity of students, (case study: Eleven state university of Tehran city. (Unpublished doctoral dissertation). University of Isfahan. (Persian).
12. Field, J. (2003). *Social capital*. London: Routledge Pub. First Edition.

13. Fox, K., & Richards, L. (2002). Sport and leisure. London: Office for national statistics publisher,
14. Fukuyama, F. (2003). Still disenchanted? The modernity of postindustrial capitalism, CSES Working Paper Series, International Journal of Humanities and Social Science, 4(18), 24-51.
15. Fung, W. Y. (2002). Physical activity participations and their determinants in adolescent girls in Hong Kong. (Unpublished master dissertation), The University of Hong Kong.
16. Ghadimi, B. (2011). Sport in Tehran city (meta-analysis of studies of sport, youth, women and seniors). Tehran: Society and Culture Publishing. (Persian). First Edition.
17. Ghafouri, F., Ehsani, M., Rahmanseresht, H., & Kouzechian, H. (2003). Study and review of attitude of physical education specialists to role of mass media (radio, tv and journals) in people orientation to championship and public sport. Harakat, 16(6), 55-73. (Persian).
18. Goral, M. (2010). Social attitudes of Turkish students towards participation in physical education and sport. Social Behavior and Personality, 38(9), 1243-60.
19. Grootaert, C., Narayan, D., Jones, Y. N., & Woolcick, M. (2005). Measuring social capital: An integrated questionnaire. (Unpublished master dissertation), The University of Oxford.
20. Hall, P. (2008). Social capital in Britain. British Journal of Political Science, 29(3), 417-61.
21. Halpern, D. (2005). Social capital. Cambridge: Polity Press, 2nd Edition.
22. Jarvie, G. (2003). Communitarianism, sport and social capital. International Review for the Sociology of Sport, 38(2), 139-53.
23. Khalaji, H., Bahram, A., & Aghapur, S. M. (2009). Doctrine and foundation of physical education and sport sciences. Tehran: Samt Publishing. (Persian), 3rd Edition.
24. Khosravi, R. & Lotfi, S. (2014). Social capital and suicide: Social workers obligation toward contemporary suicide prevention. International Journal of Humanities and Social Science, 4(4), 83-91.
25. Krishna, A., & Shrader, E. (2000). Cross-cultural measure of social capital: A tool and result from India and Panama. World Bank Social Capital Initiative Paper, 21. Washington DC.
26. Laale Sajjadi, M. (2009). Study of relationship between social capital and job satisfaction of teachers of Mashhad city. (Unpublished master dissertation). Yazd University. (Persian).
27. Lindstrom, M. (2011). Social capital, desire to increase physical activity and leisure time physical activity: A population-based study. Public Health, 18(125), 442-7.
28. Marjayi, Sh. (2004). Study of social capital of students of universities. Tehran: Institution of Research and Planning of Higher Education. (Persian). First Edition.
29. Offe, C., & Fuchs, S. (2002). A decline of social capital? The German case. Oxford University Press.

30. Putnam, Robert D (2002). Democracy in flux: The evolution of social capital in contemporary society. Ney York: Oxford University Press, 25(16), 42-73.
31. Oorschot, W., Van, W., & Gelissen, J. (2006). Social capital in Europe. *Acta Sociologica*, 49(2), 149-67.
32. Panahi, M. H., & Khoshfar, Gh. (2011). Study of social capital influence on political partnership, case study: Province of Golestan. *Bulletin of Sociology of Youth*, 1(2), 61-82. (Persian).
33. Parsamehr, M., & Jesmani, S. (2011). Role of social capital on taking exercise (watching sports) study of Yazd city youth. *Research on Sport Management and Sction Behavior*, 1(1), 73-84. (Persian).
34. Parsamehr, M., & Torkan, R. (2012). Study of relationship between social capital and partnership in sportive activities (case study: Nurses of state hospitals of Yazd city). *Iranian Journal of Nursing Research*, 7(26), 69-79. (Persian).
35. Perks, T. (2007). Does sport foster social capital? The contribution of sport to a life style of community participation. *Sociology of Sport Journal*, 24(8), 378-401.
36. Putnam, R. D. (1995). Bowling alone: America's declining social capital. *Journal of Democracy*, 6(1), 65-78.
37. Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon and Schuster.
38. Rahmani, A., Bakhshi Nia, T., & Ghavami, S. S. (2006). Role of sport in spending of students leisure time of Takestan Islamic Azad University. *Quarterly Research on Sport Science*, 12(9), 33-50. (Persian).
39. Rose, R. (1998). Getting things done in an anti-modern society: Social capital networks in Russia. *World Bank Report No. 6*, Washington DC.
40. Ryan, E. D. (1980). Attribution, intrinsic motivation, and athletics, a replication and extension. in CH Nadeaa, WR Halliowell, KM Newell & C Roberts, *Journal of Human Kinetics*, Champaign, IL, 19(26), 33-56.
41. Sallis, J. F., Prochasca, J. J., & Taylor, W. C. (2000). A review of correlates of physical activity of children and adolescents. *Medicine and Science in Sports and Exercise*, 32(9), 963-75.
42. Samiee, Z. (2000). Influence of family social and economic capitals on careers and education success of children in Tehran. (Unpublished master dissertation). Alzahra University of Tehran. (Persian).
43. Seippel, O. (2006). Sport and social capital. *Acta Sociologica*, 49(2), 169-83.
44. Sharepour, M. (2006). Conceptualization of measurement and implications of policy. Sari: Organization of Management and Planning of Mazandaran State. 15-63. (Persian).
45. Sharepour, M., & Hoseini Rad, A. (2008). Study of relationship between social capital and sportal partnership (case study: 15-29 years old citizenry of Babol). *Harakat*, 37(19), 131-53. (Persian).
46. Siegler, V. (2014). *Measuring social capital*. London: Office for National Statistics. 2nd Edition.
47. Smith, S. S. (2005). Don't put my name on it: Social capital activation and job finding assistance among the black urban poor. *American Journal of Sociology (AJS)*, 111(1), 1-57.

48. Spellerberg, A. (1997). Towards a framework for the measurement of social capital. In D. Robinson (ed.), *Social capital and policy development*. Institute of Policy Studies, Victoria University of Wellington, Wellington NZ. 4th Edition.
49. Stoeber, J., Otto, K., Pescheck, E., Becker, C., & Stoll, O. (2007). Perfectionism and competitive anxiety in athletes: Differentiating striving for perfectionism and negative reactions to imperfection. *Personality and Individual Differences*, 42(15), 959-69.
50. Stone, W., & Hughes, D. (2002). Social capital: Empirical meaning and measurement validity. *Journal of Family studies*, 9(14), 159-78.
51. Tonts, M. (2005). Competitive sport and social capital in rural Australia. *Journal of Rural Studies*, 21(10), 137-49.
52. Trail, G. T., & James, J. D. (2001). The motivation scale for sport consumption: Assessment of the scales psychometric properties. *Journal of Sport Behavior*, 24(1), 108-27.
53. Vahida, F., Oreyzi, F., & Parsamehr, M. (2006). Study of social protection influence on women partnership in sport activities (case study: Women of Mazandaran province). *Physical Sciences and Sport*, 7(21), 53-62. (Persian).
54. Veismoradi, A., Akbari, P., & Rostami, R. (2014). A study on the effect of social capital on learning organization: A case study of Jihad Agriculture Organization of Kermanshah, Iran. *Management Science Letters*, 2 (5), 290-316. (Persian).
55. Viljalmsson, A., & Jansdottir, G. (2003). Gender differences in physical activity in older children and adolescents: The central role of organized sport. *Journal of Social Science & Medicine*, 56(20), 48-57.
56. Weiss, M. R. (1993). Psychology effects of intensive sport participation on children and youth: Self-esteem and motivation. In B. R. Chaill & A. J. Pear (Eds.), *Intensive Participation in Childrens Sport*, 16(9), 39-69.
57. Wilbur, J., Miller, A. M., Montgomery, A., & Chandler, P. (1998). Womens physical activity patterns: Nursing implications. *JOGNN*, 4(15), 383-92.

استناد به مقاله

پارسا مهر، مهربان، نیک نژاد، محمد رضا، و رسولی نژاد، سید پویا. (۱۳۹۶).
تبیین نقش سرمایه اجتماعی در توسعه مشارکت ورزشی جوانان
(مطالعه موردی: شهر یزد). *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۹(۴۲)، ۳۸-۱۷.
شناسه دیجیتال: 10.22089/smrj.2017.988

Parsamehr. M., Niknejad. M. R., & Rasoulinejad. S.P. (2017).
Explanation the Role of Social Capital in the Development of Youth
Sports Participation (Case Study: Yazd). *Sport Management Studies*.
9(42): 17-38. (Persian). Doi: 10.22089/smrj.2017.988

Explanation the Role of Social Capital in the Development of Youth Sports Participation (Case Study: Yazd)

M. Parsamehr¹, M.R. Niknejad², S.P. Rasoulinejad³

1. Associate Professor of Sociology, University of Yazd*
2. Ph.D. of Sport Management, Mazandaran University
3. Ph. D Student of Political Sociology, University of Allameh Tabatabai

Received: 2015/06/20

Accepted: 2016/07/31

Abstract

The purpose of this Research was to Explanation the role of social capital in the development of youth sports participation was the city of Yazd. The research method in terms of type, application and data collection, survey. The study sample consisted of all young people aged 15-29 were living in the city of Yazd. 372 persons were selected as the sample. Sampling was based cluster, and data were collected using a questionnaire which was established content and high reliability of the instrument using Cronbach's alpha coefficient for the variables shown in the utility's reliability study. The results showed that the average social capital, as well as sports participation is higher in men than in women. As well as between social capital and its main components (social trust, social norms, social networks and social participation) with the participation of youth sports, there is a significant relationship. The results of multivariate analysis showed that social capital and its main components were able to more than 15 percent of variability explained that sports participation on this basis and as a final Conclusion, can be said that efforts to strengthen the social capital of youngs can be a valuable strategy to expand participation in their sports.

Keywords: Social Capital, Participation in Sports, Social Networking, Youth, Yazd

*Corresponding Author

Email:parsamehr@yazd.ac.ir